

سردبیر: میثم رشیدی مهرآبادی
همکاران این شماره: زهرا حقانی، پروین عارفی، حسین شرفخانلو، الناز رحمت نژاد
گردآورید محمدی، غلامرضا طریقی، احسان رضایی، سمیه عظیمی ستوده
ارمیا مرادیان و زینب گل محمدی
گرافیست: حمید عینی خراسانی

شناسنده

ضمیمه کتاب و داستان روزنامه جام جم
 سه شنبه ۸ آذر ۱۴۰۱ • شماره ۱۹۰



کتاب صوتی

«سدنرالدین» را بشنوید

کتاب صوتی «سدنرالدین» توسط سماوا، ناشر کتاب‌های صوتی انتشارات سوره‌مهر رونمایی شد. امیر خیام، نویسنده کتاب «سدنرالدین» بایان این که این کتاب با جان و دل نوشته شده، گفت: من از خانه و محله‌ای صحبت می‌کنم که ازش آن به مردمش بود و چهار مدل فکری به طور مسامتم آمیز کنار یکدیگر زندگی می‌کرند بدون این‌که صحبت تلخی با یکدیگر داشته باشد. اغلب آنها طنزابودند و صحبت‌های شان شرین بود و زندگی در آنها جریان داشت. خانه‌ها ممکن است تغییر کنند اما من نگران فرهنگی بودم و هستم که در حال تغییر است و از یاد برده می‌شود.



این کتاب متشکل از هشت داستان است که به تصریح نویسنده در مقدمه «داستان‌های این مجموعه هر کدام حال و هوای خودش را درد» و نویسنده امید دارد که داستان‌ها به جای ارتباط با یکدیگر بتوانند با مخاطب راضه برقرار کنند. در این داستان‌ها از نقد اجتماعی و مدیریتی می‌بینیم تاکرامات امام رضا (ع) و حضرت زهرا(س)... بعضی از آدم‌ها سعی می‌کنند که دزدی را کار زشت و ناپسندی جلوه دهند. البته کاش فقط سعی می‌کرند. عده‌ای واقعاً باورشان شده که امارات معاش از طریق دزدی کاری ناشایست است. نگاه این قبیل آدم‌ها به یک دزد یا سارق، شبیه نگاه به یک فرد خلافکار است.



- نویسنده: سیدمهدي شجاعي
- انتشارات: کتاب نيسستان
- قيمت: ۵۴۰۰ تoman

موسسه فرهنگی - مطبوعاتی جام جم، برگزار می‌کند

مدرسه‌ی تربیت متقید، به عنوان اولین و جامع مرکز تربیت تحلیلگران و متقیدین سینما، با **شناخته شده ترین مدرسین سینما**، قصد دارد، کارشناسان، متقدان و روزنامه نگارانی را پرورش دهدتا بتوانند درست فیلم ببینند و عمیق و دقیق، آن را تحلیل کنند.

برای ثبت نام فایلی شامل مشخصات، مهارت‌ها، سوابق و نمونه کارها (در صورت وجود) را به نشانی QR کد زیر ارسال فرمایید.
جهت کسب اطلاعات بیشتر و ثبت نام لطفاً با شماره ۰۲۱۲۳۰۵۰۶۰۷ تماس بگیرید.



برای ثبت نام اسکن کنید

**نگاهی به کتاب «قصه‌های مادر بزرگ»**
چرا روایاها برای همیشه از آدم‌ها دور شدند

کشیدند. آن وقت یکی از سگ‌ها را نزد رئیس رویاهای فرستادند. سگ با آه و ناله و گریه و زاری گفت: ما از بس در بیابان زندگی کردیم، میریش شده‌ایم. اجازه بدید مامتدی به جای شمارد میان آدم‌ها زندگی کنیم، قول می‌دهیم و قتنی حال مان خوب شد، دوباره به بیابان برگردیم. رئیس روایاها دلس به حال سگ‌ها ساخت و در خواست آنها را قبول کرد. فردای آن روز تمام روایاها به بیابان رفتند و جای خود را با سگ‌ها اوضاع کردند. مدتی گذشت، روایاها دیدند که نخیار از سگ‌ها خبری نشد. رئیس روایاها یک روایا را نزد رئیس سگ‌ها فرستاد. روایا از رئیس سگ‌ها پرسید: انگار قول و قرار ماید از این رفته است.

رئیس سگ‌ها گفت: ما هنوز خوب نشده‌ایم، چند روز دیگر صبر کنید تا حال ما جاییابیم.

روایا هدوهاره چند روزی سبر کردند و به سراغ سگ‌ها رفتند

اما سگ‌ها باز هم گفتند: چند روز دیگر صبر کنید.

از آن روز به بعد هر روز بعد از غروب

آفتاب، روایاها به طرف روستا

می‌روند و از سگ‌ها می‌پرسند:

خوب شدید؟ سگ‌ها جواب

می‌دهند: نه چند روز دیگر

صبر کنید. به این ترتیب

سگ‌ها در میان آدم‌ها

ماندند و روایاها برای

همیشه از آدم‌ها دور و در

بیابان ماندگار شدند.

**سگ‌ها و روایاها**

در زمان‌های قدیم، سگ‌ها در بیابان زندگی می‌کردند و روایاها در میان آدم‌ها، سگ‌ها زندگی سختی داشتند و روایاها در کنار آدم‌ها به راحتی زندگی می‌کردند. یک روز سگ‌ها دوره‌جم شدند و روایهای شان را روی هم گذاشتند و نقشه‌ای